

گات و پیش‌بینی پیامدهای آن در بخش کشاورزی

الف - مروری بر گات

عوامل شکل‌گیری گات

عوامل تشکیل پیمان گات عبارت بود از، عوامل تئوریک و مشکلات عملی. در تجارت بین‌الملل بحثی به نام مزیت‌های نسبی (Comparative Advantage) وجود دارد که طبق آن دو کشور که مشغول تولید کالا هستند، اگر هر کدام کالایی را که در زمینه آن تخصص دارند، تولید کنند منافع هر دو تأمین خواهد شد. بنابراین پایه تئوریک تشکیل پیمان گات، بحث مزیت‌های نسبی است. عامل دیگری که موجب پیدایش پیمان گات شد، مشکلات عملی بود که در اقتصاد جهانی وجود داشت.

بعد از جنگ دوم جهانی، ویرانی‌های عظیمی بوجود آمد و دولتها به این نتیجه رسیدند که برای بالا بردن اشتغال و سطح رفاه دز کشورهای آسیب دیده از جنگ، مبادلات تجاری بین خود را افزایش دهند، تا با استفاده و بهره‌گیری از منابع و امکانات موجود در کشورهای مختلف، بتوانند این مشکلات را برطرف نمایند. به هر حال عوامل تئوریک و مشکلات عملی موجود، تئوری اقتصاد و مشکلات و ویرانی‌های بعد از جنگ بود.

اهداف گات

اهم اهدافی که در این پیمان بیان شده عبارت است از:

- پیمان گات به طور صریح خواستار آزادی تجارت بین‌الملل است.

- می‌خواهد تعرفه‌ای نباشد.

اگر قرار است گندم و یا هر کالای دیگری وارد کشوری شود از آن سود نگیرند.

- با یک برنامه مشخص زمانبندی شده، سودها و تعرفه‌ها به صفر برسد.

- در تجارت میان کشورها، تبعیض نباشد.

- تخصیص بهینه منابع و افزایش کارایی در سطح جهان.

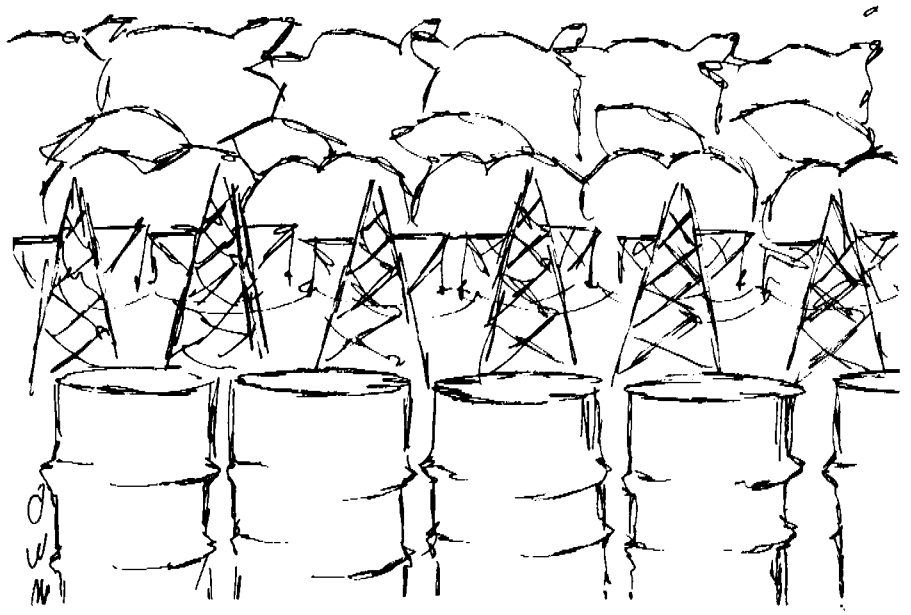
مقررات گات در ۲۸ اصل و دهها ماده تدوین شد و پس از مذاکرات دور

این روزها موضوع گات و عضویت یا عدم عضویت در آن، به صورت جدی مورد مطالعه محققان، اقتصاددانان و حتی سیاستمداران کشور قرار گرفته است. عده‌ای گات را عاملی می‌دانند که قصد دارد سیاست‌های نوین جهانی را به منصه ظهور رساند و گسترش ارتباطات Communication و عصر اطلاعات Information age تحقق بخشد. با این وصف، مرزهای جغرافیایی، مقبولیت خود را از دست داده و جامعه جهانی به شکل‌گیری نزدیکتر می‌شود.

عده‌ای نیز معتقدند که پیوستن به گات باعث زوال بسیاری از مشاغل و حرف می‌شود که برای کشورهای جهان سوم و روستا توسعه، از جمله ایران به دلیل رشد جمعیت و بهره‌دهندی از جمعیت جوان مناسب نخواهد بود.

در مقابل عده‌ای نیز معتقدند که با از بین رفتن صنایع کوچک، صنایع بزرگ رونق اقتصادی و سوددهی که بتوان به آن تکیه کرد بوجود خواهد آمد که در نتیجه رشد دست‌مزدها، افزایش کیفیت محصولات در سطح استانداردهای بین‌المللی را به دنبال خواهد داشت.

آنچه در پی می‌آید خلاصه‌ای است از سخنرانی دکتر کهزادی، استاد دانشگاه تربیت مدرس و مدیرکل بانک توسعه صادرات ایران که پیرامون پیمان گات ایراد شده است. این مطلب در سه محور مروری بر اصول گات، آیا به عضویت گات درآییم یا خیر؟ و مدل‌سازی و اثرات پیوستن به گات در بخشهای اقتصادی کشور ارائه گردیده است که از نظر گرامی‌تان می‌گذرد.



اوروگوئه، نتایج مذاکرات به شکل جزوهای قطور چاپ شد و مجموعه قرار داد گات را در نشست یک ماهه در مراکش با تغییرات لفظی به World Trade Organization) تبدیل نمودند.

اصول گات

اصل عدم تبعیض و آنچه با عنوان اصل دول کامله‌الوداد (Most - Favoured Nations) ترجمه شده - به این صورت که اگر امتیازی از نظر صادرات و واردات به یک کشور داده شد، باید به طور اتوماتیک این امتیاز به تمام کشورهای عضو داده شود. (برای مثال اگر ایران از پاکستان شکر وارد می‌کند و پاکستان عضو گات است و ایران تعرف ۳۰ درصد برای واردات شکر دارد، اگر بخواهیم از پاکستان تعرفه بگیریم، از دیگر کشورها نیز نباید تعرفه بگیریم.

اصل تثبیت و کاهش تعرفه‌های گمرکی - کشورهایانی که پیمان گات را امضاء می‌کنند، متعهد می‌شوند که تعرفه‌های گمرکی را در همین حدی که هست تثبیت نمایند. طبق این اصل چنانچه امکان کاهش تعرفه‌ها وجود ندارد، افزایش آن نیز قابل قبول نیست. براساس این اصل، تعرفه‌ها در یک برنامه زمانبندی شده (که برای کشورهای صنعتی ۵ سال و برای کشورهای در حال توسعه ۱۰ سال است.) بتدریج کم می‌شود، تا در نهایت به صفر برسد.

رفع ممنوعیت‌های گمرکی واردات و صادرات (Quota) - احسار اقتصادی

صادر نماید باید استانداردهای خاص امریکا را رعایت نماید مانند کمربند ایمنی و کیسه باد جهت جلوگیری از خونریزی مغزی در هنگام تصادف، همچنین تامین قطعات یدکی و گارانتی و... و اگر استانداردها رعایت نشود، نمی‌توان به این کشورها کالا صادر نمود. فرض کنید ایران می‌خواهد به کشورهای پیشرفته گات سبب صادر کند و آنها استانداردهای خاصی دارند که باید رعایت شود. مقدار سمی که به سبب زده می‌شود نباید از حد معینی بیشتر باشد و یا مقدار آنتی‌بیوتیکی که در شیر و یا گوشت وجود دارد، نباید از حد معینی تجاوز کند. در کانادا، وزارت کشاورزی در یک برنامه پرسروصدا از استانهای مختلف شیرها را نمونه‌برداری کرد و آنتی‌بیوتیک این شیرها را آزمایش نمود و مقدار زیادی از شیرها را (به خاطر بیش از حد مجاز بودن آنتی‌بیوتیک موجود در شیر که ناشی از آنتی‌بیوتیک تزریقی به گاو بود) منهدم کرد.

صرفنظر از صادرات (که باید دنبال بازارهای صادراتی باشیم) برای حفظ سلامتی افراد جامعه باید بخشی از وزارت کشاورزی همراه با وزارت بازرگانی دنبال کنترل میزان سم و آنتی‌بیوتیک موجود در میوه‌ها و شیر و گوشت باشند و نباید فقط به افزایش کمیت توجه کنند، همچنین پاستوریزه بودن شیر، کافی نیست، بلکه کیفیت آن هم اهمیت دارد.

کشاورزی با استفاده از کود حیوانی اخیراً در اروپا به شدت رواج پیدا کرده است، علت این امر هم مقابله با اثرات سمی است که مصرف سموم و کودشیمیایی بکار رفته در تولید محصولات کشاورزی در بدن دارد. این محصولات علی‌رغم بالا بودن قیمت از بازار خوبی هم برخوردارند.

مساله دیگر که روح گات است، مخالفت با هر نوع حمایت است. کشورهای پیشرفته به خاطر حضور در بازار، نه تنها از صادرات مالیات نمی‌گیرند، بلکه به آن سوبسید نیز می‌دهند، ولی کشورهای جهان سوم به صادرات به عنوان منبع درآمد می‌نگرند. این کشورها نه تنها از صادراتکننده، مالیات می‌گیرند، بلکه مشکلات زیادی برای صادراتکنندگان

کشاورزی ژاپن را مطالعه کنید، می‌بینید ژاپن سهمیه دارد که مثلاً گوشت را از هر کشوری چقدر وارد نماید. براساس پیمان گات، سهمیه‌ها باید بتدریج برداشته شود و کشوری که واردات با قیمت پایین‌تری ارائه می‌دهد، صرفنظر از مسائل سیاسی، باید بتواند به سایر کشورها کالا صادر نماید و یا سایر کشورها بتوانند صادرات به آن کشور را ادامه دهند. البته استثناهایی هم وجود دارد. اگر کمبود شدید یا مازاد جدی در تولید کشور وجود دارد، اجازه می‌دهد گاهی این اصول تا حدودی رعایت نشود. در مورد کشاورزی هم، استثناهایی قائل شده‌اند. (به طوریکه واردات و صادرات

بعضی از محصولات کشاورزی را از متوسط ۵ سال قبل تغییری نمی‌دهد). همچنین پیمان گات اجازه داده که اگر در کشوری مشکل تراز پرداختها وجود دارد (مثلاً کشوری بشدت دارای موازنه منفی است و بدهی ارزی دارد) و بسا صرفه تعرفه‌ها و سود گمرکی این موازنه منفی تراز پراختها افزایش پیدا می‌کند، آن کشور بتواند تعرفه‌هایی در این زمینه وضع کند.

استاندارد، طبقه‌بندی و درجه‌بندی نیز یکی از گریزگاههایی است که کشورهای پیشرفته می‌توانند از آن استفاده نمایند. استاندارد به این معنا که اگر بخواهد کالایی وارد کشوری شود و کشور واردکننده استانداردهای خاصی در مورد آن کالا داشته باشد، کشور صادرکننده باید استانداردهای مذکور را رعایت کند (مثلاً اگر کشوری بخواهد اتومبیل دوو به امریکا

بوجود می‌آورند تا آنها نتوانند وارد بازارهای بین‌المللی شوند. پیمان‌گات با این سویسدها مخالف است و لازمه پیوستن به آن حذف حمایت‌های مستقیم از صادرات است.

تحولات گات

در پیمان‌گات از سال ۱۹۹۰-۱۹۴۷ روی هم ۸ دور مذاکره صورت گرفته که آخرین دور آن در اوروگوئه بود که قرار بود در دسامبر ۱۹۹۰ تمام شود، ولی حدود سه سال بیشتر طول کشید و علت طولانی شدن آن، امتناع کشورها از امضای مطالب مخالف منافع ملی کشورهاشان بود. در این مورد از قول جورج بوش گفته شده که «من نیامده‌ام امضاء کنم، بلکه آمده‌ام امضاء خوب کنم» و این نکته مهمی است. (در حالیکه طبق نوشته مطبوعات، یکی از مسئولین کشور ما، در یکی از این مذاکرات شرکت نموده و براحتی قرارداد مربوط را امضاء کرده است.)

کشورهای اروپایی و امریکا می‌خواهند سویسدها را بردارند، زیرا باید از خزانه دولت به کشاورزان سویسده بدهند. اگر ما نیز با این کار موافقت نماییم، کالاهای صادراتی در نظام تجارت بین‌الملل گران می‌شود. این کار به نفع کشورهای جهان سوم نیست.

به طور کلی علت عدم توافق و تأخیر سه ساله در مذاکرات دور اوروگوئه چند مطلب بود:

مشکلات بخش کشاورزی - کشاورزان در جهان صنعتی، سازماندهی شده‌اند و تأثیر زیادی در انتخابات دارند. به همین دلیل مذاکره‌کنندگان همیشه منافع کشاورزان را در نظر می‌گیرند. یکی دیگر از علل طول کشیدن دور اوروگوئه، عدم توافق در بخش سرویس و خدمات بود، زیرا کشورهای عضو اجازه دارند تا ۲ درصد از درآمدهای هر کشور عضو به آن کشور، صادرات داشته باشند. اگر کشور ما نیز به عضو گات درآید، می‌تواند با استفاده از ۲ درصد درآمد ملی هر کشور عضو در بازارهای آنها به رقابت بپردازد. همچنین در مذاکرات گات بحث در زمینه خدمات فرهنگی سیستم‌های ماهواره‌ای و مخابراتی و نرم‌افزارهای کامپیوتری ادامه

یافت. مطلب دیگر در مورد کاهش تعرفه‌های گمرکی کالاهای صنعتی است که برای حمایت صنایع نباید از واردات، تعرفه‌های اضافی گرفت. کاهش موانع تجاری نیز یکی از عوامل طولانی شدن مذاکرات گات در ۱۹۹۰ شد. یکی دیگر از موارد بحث Copyright است که در دور اوروگوئه در این مورد تأکید فراوان شده که نتوان از کتابها و یا نرم‌افزارهای کامپیوتری کپی تهیه کرد. در غیر این صورت اعضای گات می‌توانند در دادگاههای کشور خاطی متخلف را تعقیب نمایند و یا اگر دادگاههای کشور خاطی ترتیب اثر ندادند، می‌توانند جلوی صادرات آن کشور را به کشورهای عضو بگیرند. در این دور از مذاکرات گات، اعضا در امور ترافیکی، کشتیرانی و خدمات مالی و هواپیمایی کشوری به توافق نرسیدند و قرار شد در دورهای بعدی بحث نمایند.

ب - عضویت یا عدم عضویت ایران در گات

در این مورد دو دیدگاه متضاد موجود است.

دیدگاه اول: اگر عضو سازمانهای بین‌المللی شویم، با توجه به اینکه این سازمانها زیر نظر امریکا هستند، هیچ‌گاه به نفع ما اقدامی نکرده، منافع ما را تأمین نمی‌کنند.

دیدگاه دوم: درست است که سازمانهای بین‌المللی به نفع ایران اقدامی نخواهند کرد، اما عضویت در آن، پیدا کردن تریبونی برای اظهار نظرهای ایران است.

مشکلات پیوستن به گات

برای پیوستن به پیمان‌گات مشکلات مختلفی به شرح ذیل وجود دارد.

مشکلات قانونی

اصول ۴۴ و ۸۱ قانون اساسی مخالف پیوستن به پیمان‌گات است، زیرا این

اصول می‌گویند، صنایع مادر باید در دست‌بخش دولتی باشد. براساس پیمان‌گات، شرکت‌های خارجی اجازه دارند داخل هر کشور عضو فعالیت نمایند. البته این مشکل حل شدنی است چون نمونه‌هایی در گذشته وجود داشته که در زمان شهید رجایی در مورد فعالیت سرمایه‌گذاری خارجی از شورای نگهبان استفسار شده بود و شورای نگهبان اجازه داده بود.

مشکل صنایع نوپای داخلی و خطر نابودی آنها

قوانین گمرکی کشور به خاطر حمایت از صنایع نوپا، برای واردات کالاهای خارجی تعرفه بالا قرار می‌دهد. با عضویت در پیمان‌گات، باید ظرف ۱۰-۵ سال تعرفه‌ها را به صفر برسانیم. در این صورت صنایع نوپای داخلی که باید حمایت شوند، دچار مشکل خواهند شد. با پیوستن به گات امکان نابودی صنایعی که با حمایت‌های سنگین پا گرفته‌اند، وجود دارد.

مشکلات عملی از طرف کشورهای طرف قرارداد

مشکلات عملی از طرف کشورهای طرف قرارداد، برای ما وجود دارد. با امضای گات، ورود به بازارهای صادراتی آنها بسادگی امکان‌پذیر نیست و آنها استانداردها را تحمیل می‌کنند. آیا ما آنقدر کارشناس و متخصص داریم که اگر روزی به جایی رسیدیم که تولیدکننده گوشت باشیم و آنها گفتند هورمون گوشت ایران بالاست، بتوانیم ثابت کنیم که هورمون آن، اندازه است؟ آیا به اندازه لازم حقوق‌دان قوی برای دعاوی با سایر کشورها داریم؟ آیا متخصصین قوی داریم که در سیستم‌های پیچیده آنها بتوانند ثابت کنند که نسبت واردات ۲ درصد نیست و برای مثال ۱/۹ درصد است؟ یکی دیگر از مشکلات، جواز دادن به صادرکننده است.

در مورد کالاهای خارجی در دیگر کشورها نیز، تبعیض وجود دارد. مثلاً گاهی مشاهده می‌کرد که کشمش ایران وارد

انگلستان می‌شود و به علت جوسازی و تبلیغات رادیو تلویزیون (که نقش مهمی در افکار عمومی انگلیس دارد) کشمش ایران به نام کشور دیگری به فروش می‌رود. آنها اگر بخواهند ما را از بازارهای خود بیرون کنند، هم نام ایران را روی محصولات می‌نویسند و هم رادیو تلویزیون برضد ایران تبلیغ می‌کنند.

مشکلات سیاسی این عضویت برای ایران

با عضویت در پیمان گات، باید سیاست خارجی را براساس خواست آنان تنظیم کنیم، زیرا کشورهای پیشرفته، بازارهای خود را بدون معامله سیاسی به روی کالاهای ما باز نخواهند کرد.

ضرورت‌های پیوستن ایران به گات

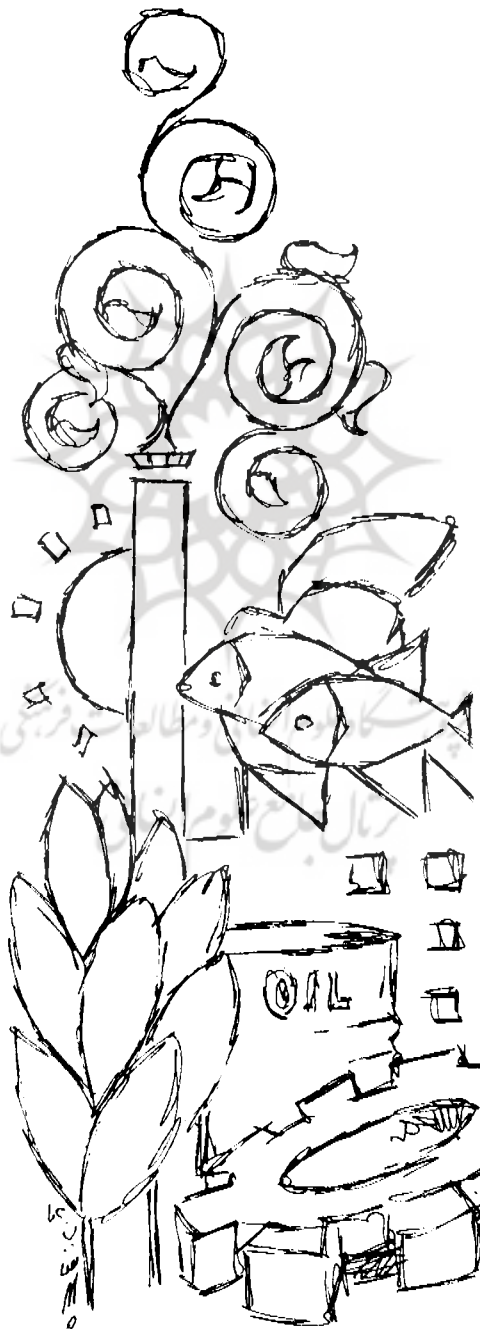
تاکنون جنبه‌های منفی قضیه عنوان شد، اما نظر به روجه اتمام بودن منابع نفتی کشور و ضرورت توسعه اقتصادی، چاره‌ای جز ورود به بازارهای جهانی نیست. پیوستن به پیمان گات این امکان را می‌دهد که ابزاری قانونی برای ورود به بازارهای بین‌المللی و وسیع داشته باشیم. با عضویت در این پیمان، به علت حضور صنعت کشورهای پیشرفته در کشورمان، صنایع مجبورند متحول شوند و کیفیت کالا را بالا ببرند که خود باعث تحرک صنایع ما می‌شود. در دنیا مشخص شده که کشورهایی که از نظر اقتصادی، منزوی هستند، از نظر سیاسی نیز منزویند. اگر بخواهیم از نظر سیاسی حرف خود را در دنیا بزنیم باید از نظر اقتصادی فعال باشیم. این دلیل موافقان پیوستن به گات است.

بنابراین اثر مثبت پیوستن به پیمان گات، حضور رسمی تولیدکنندگان خارجی در بازارهای کشور و امکان حضور قانونی ایران در بازارهای جهانی است این کار همچنین به تولیدکنندگان مبتکر تحرک می‌دهد و کارایی در تولیدات داخلی، افزایش می‌یابد. اثر منفی پیوستن به پیمان گات نیز نبودن آن دسته از تولیداتی است

که توان رقابت ندارند. به هر حال درآورد این تأثیرات، نیاز به مدل‌سازی دارد و اگر بخواهیم مدل‌سازی کنیم باید ببینیم چگونه فشارهای عدم پیوستگی به گات را کاهش دهیم. یکی از راهها این است که به صورت ناظر شرکت کنیم. برای حضور در پیمان گات (به عنوان ناظر) ۵ سال وقت داریم که یک سال آن گذشته است. به وزارت راه و وزارت صنایع پیشنهاد می‌شود که به جای امضای مطالب نامفهوم از حق قانونی خود، به عنوان ناظر استفاده کنند.

پس باید با یک کار کارشناسی، اثرات پیوستن به گات را در سطح ماکرو و میکرو محاسبه کنیم. ممکن است در بخش کشاورزی ضرر کنیم، ولی در بخش صنعت ضرر نکنیم، یا در بانکداری و خدمات ضرر کنیم و در کشاورزی ضرر نکنیم و...

راه دیگر برای کاهش اثر عدم پیوستن به پیمان گات، فعال نمودن پیمانها و قراردادهای منطقه‌ای است. ما در حال حاضر با ترکمنستان قرارداد داریم و با قزاقستان و ازبکستان در حال انعقاد قرار دادیم. با فعال نمودن قراردادها در صورتی که نتوانستیم وارد بازارهای بین‌المللی شویم، لاقط بازار کشورهای همسایه را از دست نمی‌دهیم. مطلب دیگر، بازسازی نیروی انسانی کشور است. با بازسازی نیروی انسانی و آموزش آنها می‌توانیم نقاط ضعف خود را جبران کنیم. با آموزش، می‌توان اثرات پیوستن به پیمان گات را برای اقشار مختلف از جمله کشاورزان تشریح کرد و اقشار مختلف را در جریان نقاط مثبت و منفی آن قرار داد، تا آنان خود را با تحولات جدید تطبیق دهند. ما باید به طور دقیق روی بخشهای مختلف مطالعه کنیم و نقاط ضعف خود را بدست آوریم. باید تحقیق کنیم که اشکال یک تولیدکننده یا صادرکننده ایرانی چیست که نمی‌تواند به کشور آلمان کالا صادر کند. همچنین کمبودها را شناسایی کرده، در جهت رفع آنها اقدام نماییم. اگر در صادرات کالایی، مشکل داریم خیلی سریع گروهی را برای مطالعه بفرستیم. این



کارها در کشورهای دیگر انجام شده است.

ج - روشهای ممکن و عملی برای مدل سازی اثرات گات بر بخشهای مختلف اقتصادی

روش عملی مدل سازی تأثیر گات بر اقتصاد ما چیست؟ بدون مطالعه نمی توان عضو پیمان گات بشویم. باید مدل ساخته آنرا Quantify نماییم که عضویت در پیمان مذکور از نظر مقداری چه تأثیری بر کشورمان دارد. در این رابطه مدلها را به دو دسته می توان تقسیم نمود:

یکی مدل های اقتصادی سنجی، که مدل عرضه و تقاضای بین المللی را تخمین می زند و عرضه و تقاضای مازاد را هم محاسبه می کند. دیگری مدل های برنامه ریزی خطی، که بحث روشها و مشکلات آن است مشکلی که مسوولان بی اطلاع از علم اقتصاد دارند، این است که نقطه ای بحث می کنند و هیچ گاه روی منحنی بحث نمی کنند. برای روشن شدن موضوع از مدل بیسیک استفاده می کنیم که مدلی استاندارد است و برای تحقیقی که در استرالیا انجام شده، مورد استفاده قرار گرفته است. فرض کنید D و S به ترتیب منحنی تقاضا و عرضه پسته است. اگر به پیمان گات پیوندیم حمایتها باید حذف شود. با توجه به عرضه و تقاضا، قیمت تعادل در بازار داخلی p_1 و q_1 خواهد بود. اگر قیمت پسته در بازارهای جهانی p_2 باشد، مقدار تولید در این قیمت q_2 خواهد بود. از این مقدار q_2 تقاضای داخلی است و $q_2 - q_1$ مازاد تقاضای داخلی است که به بازارهای جهانی راه خواهد یافت. به عبارت دیگر، وقتی پسته به بازارهای جهانی راه یافت، به علت افزایش قیمت از p_1 به p_2 تقاضای داخلی کاهش می یابد و افراد کمتری می توانند پسته بخرند، مگر آنکه درآمدشان افزایش یابد. اگر درآمد افراد متقاضی در داخل کشور افزایش نیابد، مصرف داخلی از p_1 به p_2 کاهش می یابد. پس مشاهده می شود که قابل رقابت بودن پسته ما در بازار کشورهای

خارجی، تعدادی از مصرف کنندگان را از مصرف پسته محروم نمود، اما تولید پسته را افزایش داد. بیسیک است.

حال به نمودارهای زیر توجه کنید:
نمودار (۱) منحنی عرضه و تقاضا برای کشور صادرکننده و نمودار (۲) منحنی عرضه و تقاضا برای کشور واردکننده است. در وسط نیز قیمت در بازارهای جهان نشان داده شده است. اگر بازارهای بین المللی به روی کشور (۱) باز شود، یک آرمیتراژ داریم (آرمیتراژ به این معنا که در جایی که قیمت پایین تر است، کالا خریداری شده و در جایی که قیمت بالاتر است، به فروش برسد). در نمودارهای فوق، عرضه مازاد و تقاضای مازاد دو کشور را می توان تخمین زد و براساس تخمین حساب کرد چه مقدار تولید داخلی افزایش می یابد. این در مورد پسته است که کشور (۱) می تواند آنرا به قیمتی کمتر از بین المللی تولید نماید (مثلاً پسته ایران). اگر قیمت تولید در کشور (۱) بالاتر از قیمت جهانی باشد (مثلاً برنج ایران) معادله برعکس می شود و کشور (۲) کشور تولیدکننده و صادرکننده و کشور (۱) واردکننده خواهد بود. در این نمودار، باید از سمت راست به چپ عمل نمود. همچنین این مدل را می شود هم به صورت مدل اقتصادسنجی و هم به صورت مدل برنامه ریزی خطی بیان کرد. در مورد اقتصادسنجی روش این است که باید - اطلاعات داشته باشیم و منحنی تقاضا و عرضه را تخمین بزنیم این مدل Quadratic Programming است و شما یک عامل Quadratic Programming را که انتگرال منحنی تقاضاست در برنامه ریزی خطی ماکزیمم می کنید (انتگرال D منهای انتگرال S $\int F^D(O) - \int F^S(O)$ ، رسیدن به قیمت تعادل واقع بینانه تر فایده مدل فوق است که هم Consumer Surplus و هم Producer Surplus ماکزیمم می شود. یعنی در نهایت به نتیجه ای که می رسیم، هم منافع کشور صادرکننده و هم کشور واردکننده را تأمین می کند روش دیگر اقتصادسنجی این است

که منحنی تقاضا و عرضه را جداگانه تخمین می زنیم، سپس مدل کلی را تشکیل داده، تخمین می زنیم در Quadratic Programming اگر استفاده از نتیجه اقتصادی ممکن نشد، از طریق برنامه ریزی خطی از صادرکننده و واردکننده به شکل Cross Section نمونه برداری کرده، مدل سازی می نمایم.

روش اجرا، (مدل سازی)

طرق مختلفی که برای اجرای این کار مورد استفاده قرار می گیرد، عبارت است از:

برآورد منابع اطلاعاتی، شناسایی بخشها و پیش بینی آنچه در آینده ممکن است مورد بحث باشد، برآورد مالی اجرای طرح مطالعاتی از این جهت که در اثر پیوستن به گات چه موضوعاتی در آینده ممکن است مطرح شود، تشکیل گروه کار قدماتی برای بررسی مورد مذکور، تیمی متشکل از کارشناسان آشنا به اقتصادسنجی، تجارت بین الملل، اقتصاد تولید و کارشناسان مختلف، جهت بررسی تاثیرات پیوستن ایران به گات.